

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

حديث اخلاقي هفته

دنباله روایت هفتم از باب دوم از کتاب جهاد وسائل این است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصیتی به محمد بن حنفیه فرمود: «عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ الْعَمَلِ بِمَا فِيهِ»، توصیه می‌فرمایند به خواندن قرآن و عمل به آنچه که در قرآن هست. دو چیز هست که به نظرم می‌رسد در روایات حدی برای ذکر نشده و به کثرتش بسیار ترغیب شده، یکی اکتار نماز و یکی هم مسئله‌ی قرائت قرآن است و روایاتی که در مورد قرآن وارد شده به خوبی دلالت بر این معنا دارد.

اینجا امیرالمؤمنین (علیه السلام) همین سفارش را به محمد بن حنفیه می‌کنند، حالا چون این مطلب در ذیل آن فرائضی است که برای اعضا و جوارح آمده که آن فرائض را ذکر کردیم و خواندیم، بعید نیست که بگوئیم تحقق این فرائض و تثبیت این فرائض در جوارح انسان راهش همین است. اگر انسان فرائض دست، چشم، پا، گوش و ... را بخواهد هم محقق و هم تثبیت و هم حفظ کند راهش همین است.

«عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ الْعَمَلِ بِمَا فِيهِ وَ لُزُومِ فَرَائِضِهِ وَ شَرَائِعِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ وَ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ»، هر چه در قرآن آمده از امر و نهی‌اش، از حلال و حرامش، از فرائض و شرایعش، هر چه که هست انسان خودش را ملازم با او قرار بدهد.

«وَ التَّهَجُّدُ بِهِ»، باز تأکید شده به خواندن قرآن در شب. معلوم می‌شود که انسان اگر مخصوصاً در نیمه‌ی شب، نزدیک به سحر قرائت قرآن داشته باشد یک خاصیت دیگری دارد. «وَ تِلَاوَتِهِ فِي لَيْلِكَ وَ نَهَارِكَ»، بعد می‌فرمایند «فَإِنَّهُ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ» آن تهجد، شاید مثلاً تمام شب را انسان با قرآن باشد، این لیلک و نهارک یعنی بالآخره قرآن یک وقت معینی در زندگی‌تان نداشته باشد، صبح، ظهر، عصر و شب و هر وقتی شد قرآن بخوانید.

«فَإِنَّهُ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى» که این تعلیل است «إِلَى خَلْقِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَنْظُرَ كُلَّ يَوْمٍ فِي عَهْدِهِ وَ لَوْ خَمْسِينَ آيَةً»، این برای تجدید عهد انسان با خداست، برای بیعت انسان با خداست، هر بار انسان قرآن را می‌خواند یک بیعت مجددی با خدای تبارک و تعالی دارد، عهد خودش را با خدا تجدید می‌کند.

«وَ اعْلَمْ أَنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ» که این تعبیر معروفی است که در ذهن آقایان حتماً هست، اصلاً خود جنت را حقیقتش را قرآن تشکیل می‌دهد، درجات جنت را به عدد آیات قرآن خدای تبارک و تعالی تنظیم کرده، حالا این چه تعبیری دارد که جنت بر تعداد آیات قرآن کریم تنظیم شده و حقیقت جنت و مراتب جنت را همین آیات تشکیل می‌دهد.

بعد معنایش فقط این نیست که هر کسی هر آیه‌ای از قرآن را بلد باشد و بخواند فقط یک درجه بالا می‌رود که در ادامه می‌فرماید «

فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ أَقْرَأْ وَ ارْقُ» بلکه بطون قرآن هم جزء درجات جنت است یعنی هر کسی به بطن قرآن و تفسیر قرآن نزدیک و آشنا بشود برایش درجات جنت بیشتر می‌شود، لذا می‌شود این را بگوئیم که اینطور نیست که درجات جنت به حسب ظاهر با تعداد آیات ظاهری قرآن فقط تناسب دارد، بطون را هم شامل می‌شود هر کسی هر مقدار آگاهی‌اش به بطن آیات قرآن بیشتر باشد این درجاتش بیشتر می‌شود و چون بطون آیات یک حدّ معینی ندارد می‌رسد به خود جنت اللقاء که خدای تبارک و تعالی باشد.

«فَلَا يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ أَرْفَعُ دَرَجَةً مِنْهُ» بالاترین درجه بعد از انبیاء و صدیقین برای کسی است که قاری قرآن باشد البته این نکته را حالا از بعضی اساتید شنیدم و شاید هم در بعضی از روایات باشد و آن اینکه ممکن است کسی در اینجا حافظ قرآن باشد اما از دنیا که می‌رود یک آیه از قرآن برایش باقی نماند، این احتمال هست. این مسئله واقعیت است، کسی که قرآن را از این عالم همراه خودش ببرد و بتواند در آن عالم بخواند این توفیقات را پیدا می‌کند که ان شاء الله خداوند نصیب همه‌ی ما بفرماید.^[1]

خلاصه مباحث گذشته

در فرمایش مرحوم آخوند (قدس سره) برداشتمان را دیروز توضیح دادیم. مرحوم آخوند در مقابل شیخ فرمود اولاً ما باید زمان در خاص را هم ملاحظه کنیم، ببینیم زمان عنوان ظرف دارد یا عنوان قید؟ ثانیاً باید ببینیم این مخصص، عام را از اول تخصیص زده یا در اثناء؟ بین اینها هم فرق وجود دارد. عرض کردم آخوند در آخر کلامش می‌فرماید در کلام ما دقت کن تا متوجه شوی اطلاق کلام شیخ انصاری (اعلی الله مقامه الشریف) هم نفیاً و هم اثباتاً محل اشکال هست.

سؤال:....؟

پاسخ استاد:....؟ بگوئیم أَوْفُوا بِالْعُقُودِ می‌گوید اینجا لزوم استصحاب خاص و استصحاب خیار می‌گوید جواز است و با هم تعارض می‌کنند و مثلاً یا عام را مقدم کنیم و یا خاص را مقدم کنیم. فرمایش مرحوم اصفهانی همین است که می‌فرماید هر دو دلیل با قطع نظر از دیگری فی نفسه جاری است در حالی که آخوند می‌گوید نه.

کلام مرحوم اصفهانی در بحث

مرحوم محقق اصفهانی در حاشیه‌ی کفایه می‌فرماید ما ببینیم مراد آخوند از این عبارتی که اطلاق کلام شیخ «فتأمل تعرف أن إطلاق کلام شيخنا العلامة (أعلى الله مقامه) في المقام نفياً وإثباتاً» چیست؟

ایشان می‌فرمایند اطلاق من جانب النفی باید در استدلال به عام و هم در استدلال به خاص مطرح کنیم. یعنی آخوند در استدلال به عام مطلقاً نفی کرده و به شیخ می‌فرماید شما در استدلال به عام و تمسک به عموم عام در یک جا مطلقاً نفی کردید، این اطلاق در نفی‌تان درست نیست، چرا؟ برای اینکه باید ببینیم آیا این تخصیص که بعداً آمده تخصیص بدوی است یا تخصیص در اثناء است، اگر تخصیص در اثناء باشد این حرف درست است اما اگر تخصیص بدوی باشد درست نیست.

بعبارة آخری در آنجایی که عام ما مجموعی است و آن حکمی که در عام وجود دارد به حسب ظاهر استمرار دارد آخوند به شیخ فرموده باید بین آنجایی که تخصیص در اثناء است با آنجایی که تخصیص در ابتداست فرق بگذاریم. پس اینکه شیخ مطلقاً فرمود در صورتی که عام مجموعی باشد لا یرجع إلى العام، این مطلقاً، این اطلاق و این نفی مطلق لیس بصحیح، این یک.

بعد می‌آیند سراغ نفی مطلق در استصحاب حکم خاص و می‌فرمایند اینکه شیخ آمد در بعضی از موارد استصحاب حکم خاص را نفی کرد و فرمود آنجایی که عام به صورت استغراقی هست عموم ازمانی استغراقی هست، لا مجال للتمسک بالخاص، آخوند به حسب تفسیر اصفهانی اینجا هم اشکال دارد می‌گوید ما باید زمانی که در خاص وجود دارد را ملاحظه کنیم. اگر زمانی که در خاص وجود دارد به نحو ظرفیت هست ما فقط باید رجوع کنیم به عموم عام و لا مجال للاستصحاب.

مرحوم اصفهانی می‌فرماید آخوند می‌گوید اگر این زمان عنوان ظرف را دارد استصحاب جاری است! اگر زمان عنوان قید دارد استصحاب جاری نیست. مرحوم اصفهانی در توضیح کلام آخوند می‌گوید آخوند می‌فرماید شیخ آنجایی که عام استغراقی است به صورت مطلق رجوع به استصحاب خاص را نفی کرده فرق نگذاشته که این خاص زمانش ظرف است یا قید؟

در حالی که اگر زمانش ظرف باشد اینجا استصحاب خاص جریان دارد اما اگر زمان خاص قید باشد جریان ندارد و در نتیجه فرمایش مرحوم شیخ که ما رجوع به عموم استغراقی می‌کنیم در صورتی صحیح است که زمان در خاص قید باشد اما اگر زمان در خاص قید بود و ظرف بود اینجا جریان پیدا نمی‌کند.

عبارت اصفهانی این است: «و أما إطلاق كلامه (قدس سره) نفياً من طرف إجراء استصحاب حكم الخاص» یعنی یک جا شیخ به نحو مطلق فرمود ما استصحاب حکم خاص را جاری نمی‌کنیم «في قبال العام الذي أخذ فيه الزمان قيدا»، در آنجایی که عام استغراقی (اخذ الزمان فيه قيدا و هر زمانی یک حکم مستقلی) است، می‌فرماید آخوند می‌گوید شیخ در اینجا استصحاب حکم خاص را به صورت مطلق نفی کرد، فرمود ما از اول برویم سراغ عموم استغراقی عام و اصلاً توجهی به این استصحاب حکم خاص نمی‌کنیم و مجالی برای او نیست، این معنای اطلاق نفی در جانب استصحاب حکم خاص.

مرحوم اصفهانی باز از قول آخوند می‌گوید که آخوند می‌فرماید «فانه إذا كان حكم الخاص بنحو ظرفية لا بنحو القيدية» یعنی اگر حکم خاص به نحو ظرفیت باشد ما دیگر سراغ استصحاب حکم خاص نمی‌رویم «و سقط العام المزبور عن الحجية بالمعارضة» یعنی اگر ظرفیت باشد عام مزبور از حجیت ساقط می‌شود! استصحاب حکم خاص وجود دارد و عام هم در اینجا به نحو عموم ازمانی است اگر آمديم استصحاب حکم خاص کردیم عام از حجیت ساقط می‌شود.

شیخ فرقی نگذاشت بین اینکه این زمان در این خاص ظرف است یا قید است. اصفهانی می‌گوید نظر آخوند این است که باید فرق گذاشت اگر زمان ظرف هست استصحاب خاص جاری می‌شود، منتهی عام هم چون به نحو ازمانی است حضور دارد، هر جا عام و خاص را جاری کنید با هم معارضه کند عام ساقط می‌شود و خاص باقی می‌ماند لکنه اظهر با هر چه دلیلش هست.

به نحو ظرفیت نشد یعنی خاص بعد از این ظرف و بعد از این زمان هم حجیت دارد و آن عموم استغراقی به سبب معارضه با این خاص از حجیت ساقط می‌شود «فلا محالة يصح إجراء استصحاب حكم الخاص».

سؤال:....؟

پاسخ استاد:....؟ شما وقتی وارد بحث عام و خاص می‌شوید، می‌گوئید عام و خاص با هم تعارض بدوی دارند، هر عامی با خاص تعارض می‌کند. اینجا آقای اصفهانی می‌فرماید آخوند می‌خواهد بگوید اگر عام استغراقی شد عام استغراقی یعنی برای زمان بعد از زمان خاص عام دلالت دارد و خاص هم زمان در این ظرف شد یعنی استصحاب حکم خاص را برای بعدش می‌شود کرد، بین عام و خاص تعارض می‌شود و عام از معارضه ساقط می‌شود ولی اگر زمان در خاص قید بود این خاص برای بعد از آن زمان دیگر حجیت ندارد و تنها حجیت عام باقی می‌ماند.

اینجا مرحوم اصفهانی نظری بر خلاف کلام مرحوم آخوند دارند چون مرحوم آخوند فرمود اگر عام استغراقی شد و زمان در

خاص ظرف بود فرمود برای اینکه تخصیص اکثر لازم نیاید المرجع هو العام و این اشکال مرحوم اصفهانی است. تا اینجا دو قسمت.

در قسمت سوم مرحوم اصفهانی می‌آید روی اطلاق فی جانب الاثبات، باز هم اینجا باید هم اثبات در ناحیه‌ی عام و هم اثبات در استصحاب خاص را بیان کند همانطوری که در نفی در دو مرحله بیان کرد. اینجا فقط اثبات در استصحاب حکم خاص را بیان می‌کند، می‌گوید آخوند به شیخ می‌فرماید جناب شیخ، استاد بزرگ ما، شما به نحو مطلق در مواردی فرمودید المرجع هو استصحاب حکم الخاص به نحو مطلق. آخوند می‌گوید این هم درست نیست به مجرد اینکه عموم عام مجموعی شد ما مطلقاً نمی‌توانیم به استصحاب خاص تمسک کنیم بلکه اگر در مخصّص زمان ظرف باشد می‌شود به استصحاب خاص تمسک کنیم، ولی اگر زمان در مخصّص قید باشد اینجا به استصحاب خاص نمی‌توانیم تمسک کنیم و نه می‌توانیم رجوع به عام کنیم.

آنجایی که اطلاق به صورت مطلق تمسک به عام شده باشد این را مرحوم اصفهانی اینجا مطرح نکرده، بعد از اینکه این را در توضیح فرمایش آخوند بیان می‌کنند که ملاحظه فرمودید ما آن قسمت دومش را کاملاً می‌گوئیم با کلام آخوند سازگاری ندارد اصلاً در آن قسمت دوم آخوند فرمود المرجع هو العام برای اینکه تخصیص اکثر لازم نیاید بحث معارضه و ثبوت عام از حجّیت بالمعارضه را اصلاً مرحوم آخوند مطرح نکرده، اما عمده این و الانصاف مرحوم اصفهانی است که شنبه عرض می‌کنم.^[2]

پیرامون 22 بهمن

فردا 22 بهمن ماه و مصادف با سی و هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی شکوهمند اسلامی ماست، این جمله‌ای را رهبری معظم انقلاب دارند و به نظرم این جمله را ما حوزویان خیلی باید روش دقت کنیم و تأمل کنیم، به نظر من جمله‌ایست که محصول یک عمر هست، یک دوره‌ی بلند مدت است، بعضی از جملات را انسان با تأمل در دقایق و ساعاتی ... اما بعضی از جملات این چنین نیست.

ایشان در یکی از جملاتش فرمودند قاعده‌ی این انقلاب حوزه‌ی علمیه است (مضمونش این است) و برای بقاء انقلاب باید در خود حوزه تلاش بیشتری کنیم. نسبت بین انقلاب و حوزه‌ی علمیه یک نسبت متقابل است، یعنی مبدأ انقلاب حوزه است و خود انقلاب هم الآن در بقاء این حوزه نقش زیادی دارد اینها دیگر توضیحی است که من روی فکر خودم عرض می‌کنم.

ما اگر بخواهیم انقلاب‌مان خیلی انقلاب محکم‌تر، قوی‌تر و پایدارتر و مستمر باشد باید حوزه را قوی‌تر کنیم، اگر حوزه از نظر علمی، سیاسی، اخلاقی و فکری روز به روز تقویت شود انقلاب ما تضمین بیشتری برای بقاءش هست و اگر حوزه‌ی ما روز به روز از جهت علمی ضعیف‌تر شود ما تضمینی نمی‌توانیم برای استمرار در انقلاب خودمان داشته باشیم، ما اگر نظریه‌ی ولایت فقیه را در این حوزه‌های علمیه روز به روز محکم‌تر نکنیم ستون خیمه‌ی این انقلاب نظریه‌ی ولایت فقیه و اصل ولایت فقیه است، در دراز مدت اگر روی این نظریه دقت و بحث نشود و یا بحث فقه حکومتی را نیائیم با دقت و نه با شعار به میدان بیاوریم، نمی‌توانیم اطمینانی نسبت به استمرار این انقلاب داشته باشیم، این فقه حکومتی متأسفانه این چند ساله اخیر یک امر شعاری شد!

اسم بعضی از درسها را گذاشتند فقه حکومتی، این نیست فقه حکومتی.

باید روی جهات علمی زیاد کار شود که حالا وقت نیست بخواهم اینها را توضیح بدهم می‌خواهم عرض کنم تا طلبه‌ها دینی که نسبت به انقلاب و شهدا داریم، دینی که نسبت به امام (رضوان الله تعالی علیه) داریم این است که واقعاً هر چه بتوانیم پایه‌های علمی این نظام را، آنچه مرتبط به حوزه‌ی علمیه است در جهات علمی و فقهی محکم کنیم، خود این فقه و اصول امروز چقدر در

میدان‌های مختلف به یاری این نظام می‌آید؟ فقه و اصولی که یک وقتی می‌گفتند این چه فایده‌ای دارد؟ چه اثری دارد؟ من یادم هست اوایل انقلاب یکی از آقایان انقلابی‌ها در مدرسه فیضیه صحبت می‌کرد می‌گفت آقایان طلبه‌ها حاشیه‌های کفایه به چه درد می‌خورد؟ بروید زبان انگلیسی یاد بگیرید و اسلام را معرفی کنید. در حالی که آن آقا چون خودش حاضی از این کتاب‌ها نداشت این حرف را می‌زد.

امروز شما می‌بینید در همین حواشی کفایه، مکاسب، رسائل و ... من خودم عرض می‌کنم واقعاً یک کلیدهای اساسی برای حل مسائل مستحدثه در همین حواشی وجود دارد، آدم از همین‌ها می‌تواند فتاوایی را به دست بیاورد برای حل مشکلات روز خودمان، لذا از جهت علمی تقویت کنیم، قدر این انقلاب را هم بیشتر بدانیم واقعاً بر آن اصولی که امام تبیین کرده اگر ما بر طبق همان اصول حرکت کنیم که اصولی هم که امروز رهبری دارند همان است، اگر ما بر همین میزان، حوزه‌ی ما و همه‌ی حوزویان و اشخاص خاص و افرادی خاصی را عرض نمی‌کنم بلکه مجموعه‌ی حوزه‌های علمیه، این را همین میزان اگر کار کنیم، کلمات امام را بیشتر بررسی کنیم، خود امام را بیشتر بشناسیم، من همیشه در سالگرد پیروزی انقلاب عرض کردم مهم‌ترین وظیفه برای مردم و نسل امروز - چه جوان‌ها و چه نسل امروز حوزه - این است که امام را بهتر بشناسیم، ببینیم امام چه مسائل و مطالبی را در سخنرانی‌ها و پیام‌ها مطرح کردند، همان خط را انسان بگیرد و پیش برود.

امیدواریم ان شاءالله فردا که 22 بهمن است یک راهپیمایی بسیار پرشکوهی باشد و موجب مأیوس کردن دشمنان ما باشد و موجب تقویت نظام جمهوری اسلامی باشد.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] وسائل الشیعة، ج15، ص: 171.

[2] نهاية الدراية في شرح الكفاية (طبع قدیم) 3: 268.